

# پژوهشهای حقوقی

شماره ۲۰

هزار و سیصد و نود - نیمسال دوم

## مقالات

- تفاوت اشتباه و جهل نسبت به موضوع قرارداد
- ورشکستگی به تقلب و تقصیر؛ از قانون تجارت تا قانون مجازات اسلامی
- معاونت در جرایم غیر عمدی
- تحلیل تئوری متحدالشکل سازی حقوق قراردادهای تجاری فراملی
- مفهوم و ماهیت قراردادهای آتی
- صلح و حقوق بشر در برنامه درسی با تأکید بر اسناد بین المللی
- موضوع ویژه: حقوق میراث فرهنگی: ظرفیت‌ها و چالش‌ها
- شمشیر کند عدالت در صیانت از میراث فرهنگی
- ساخت، معرفی، حمل، نگهداری و خریداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی
- حمایت کپی رایت از آثار معماری
- برخی تحولات راهبردی استرداد اموال فرهنگی در نظام بین المللی معاصر
- تحولات جدید اعاده اموال فرهنگی با نگاهی به بازگرداندن اموال فرهنگی به بومی‌ها
- حمایت از اموال فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه
- تکامل مفهوم «کارکردی» اموال فرهنگی در پرتو انسانی‌تر شدن حقوق بین الملل
- آسیب‌شناسی قوانین حمایت از میراث فرهنگی
- حق بر نام تاریخی خلیج فارس در آیین حقوق بین الملل
- تأملی در حل و فصل اختلافات راجع به اموال فرهنگی





## حق بر نام تاریخی خلیج فارس در آینه حقوق بین‌الملل

سارا اکبری\*

**چکیده:** نام‌های مناطق جغرافیایی زبان مشترک گفتگوی بین ملت‌هاست. بشریت برای برقراری ارتباط به آن‌ها نیازمند است. پاسداشت این نام‌ها به واسطه اینکه عاملی مؤثر در سازندگی تاریخ، هویت و فرهنگ یک مرز و بوم دارد، از اهمیت به‌سزایی برخوردارند. امروزه این نام‌ها به دلیل ارزش‌های معنوی که برای بشریت دارند مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی آن قرار گرفته‌اند. به‌طوری که می‌توان گفت در حرکت به سمت و سوی تشکیل مجموعه‌ای از قواعد حقوقی نرم و ایجاد قاعده‌ای عرفی در حقوق بین‌الملل است. هدف اصلی این پژوهش بررسی دیدگاه حقوق بین‌الملل نسبت به نام‌های مکانی و تسری آن به نام خلیج فارس است. نامی که با گذشت قرن‌ها همچنان پاسداشته شده و بدین علت این گونه نام‌ها را میراث معنوی بشریت می‌گویند. در این نوشتار به بررسی نام خلیج فارس از جنبه‌های مربوطه حقوق بین‌الملل می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** نام‌های مناطق جغرافیایی، سازمان ملل، نام خلیج فارس، میراث معنوی بشریت، حقوق بین‌الملل.

### مقدمه

با اختراع زبان که به عامل برقراری ارتباط میان انسانها مبدل گردید انسانها برای تفهیم مقصود خود به یکدیگر از الفاظ مشخصی برای نامگذاری اشیا و پدیده‌ها مبادرت ورزیدند، در این فرایند اشتراک لفظ به وحدت معنا و درک مشترک انجامید. در این نوشتار قصد آن را نداریم به وجه تسمیه اشیا بپردازیم که امری زبان‌شناختی و خارج از تخصص ماست اما آنچه مورد توجه ویژه

\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی. AkbariOsara@gmail.com

می‌باشد نامگذاری مناطق جغرافیایی اعم از کشورها، دریاها، اقیانوس‌ها، خلیج‌ها، کوه‌ها و ... می‌باشد.

این که یک دولت به مناطق طبیعی یا مصنوعی موجود در کشور خویش چه نامی بدهد مسأله‌ای کاملاً داخلی است و ارتباطی با دیگر دولت‌ها ندارد. در این فرایند هر کشور به ویژه بسته به تاریخ و فرهنگ خویش به نامگذاری دریاچه‌های داخلی، کوه‌ها، شهرها، خیابان‌ها و ... مبادرت می‌ورزد. اگر قصدی بر تغییر یک نام جغرافیایی در داخل کشوری حال بنا به دلایلی باشد، این تغییر باید توسط نهاد ملی یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی موجود در هر کشوری به تصویب برسد.

اما در مورد آن دسته از مناطق جغرافیایی که جزئاً یا کلاً خارج از مرزهای یک کشور قرار گرفته است تقابل حاکمیت‌ها می‌تواند چالش برانگیز باشد. رودخانه‌ای که از سرزمین چند کشور عبور می‌کند، تنگه و خلیجی که پیرامون آن کشورهای مختلفی قرار گرفته‌اند و دریایی که همسایگانی متعدد دارد نمی‌تواند به صورت یکجانبه و خودسرانه مورد نامگذاری قرار گیرد. آنجا که در نظام حقوق بین‌الملل نهاد معینی جهت ثبت متمرکز مناطق جغرافیایی وجود نداشته، تاریخ نقش تعیین‌کننده‌ای در نامگذاری مناطق جغرافیایی داشته است. با وجود این گاه به دلایل مختلف و به ویژه شائبه‌های سیاسی برخی نام‌های تاریخی-جغرافیایی مورد ایراد قرار گرفته است. به عنوان مثال، در بخش‌های گوناگونی از دنیا، قسمت بین‌المللی آب‌ها نام‌های کشورهای یا ملت‌ها را گرفته‌اند. کانال انگلیس، تنگه تایوان، خلیج فارس، دریای شرق / دریای ژاپن، خلیج مکزیک و ... از این جمله‌اند. البته بیشتر این نام‌ها بدور از بحث و مناقشه‌اند. (وقتی قسمت بین‌المللی آب‌ها نام کشور و یا ملتی را می‌گیرد پتانسیل ایجاد اختلاف بین کشورها را دارد.) از جمله نام‌های جغرافیایی که درجه زیادی از مناقشه و اختلاف بین کشورها را ایجاد نموده‌اند می‌توان به نام‌های تاریخی دریای شرق<sup>۱</sup> و خلیج فارس اشاره نمود (که از میان این دو مورد به بررسی نام خلیج فارس می‌پردازیم).

این حساسیت کشورها نسبت به نام‌های مکانی سببی برای نگارش این نوشتار گردید تا در آن پژوهشی در باب نام‌های مکانی یا جغرافیایی یا مکان‌ها (با مطالعه موردی نام خلیج فارس)

۱. این دریا بین شبه جزیره کره و جزیره ژاپن واقع شده است. دو نام مختلف به این منطقه آبی نسبت داده شده. دریای شرق و دریای ژاپن. حذف شدن نام دریای شرق از زمانی آغاز شد که سازمان بین‌المللی هیدروگرافی اولین قطعنامه خود در مورد ایجاد حدودی برای اقیانوس‌ها و دریاها و نامگذاری مناسب محلی بر آنها به دلیل تأمین امنیت کشتیرانی پذیرفته شد. نماینده ژاپن در این کنفرانس حضور داشت ولی نماینده کره حضور نداشت. (در قرن ۲۰ کره تحت قواعد استعماری ژاپن بود.) بر طبق قطعنامه، دریای شرق توسط ژاپن، با نام دریای ژاپن در ۱۹۲۳ ثبت گردید و کشورهای دیگر اعتراضی بر این اقدام ژاپن مطرح نکردند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Ki- Suk Lee, The Historical Precedent for the Geographical Name of 'East Sea (Sea of Japan)', The Sixth International Seminar on the Naming of Seas: Special Emphasis Concerning the East Sea (The 29th International Geographical Congress: Special Session II, Geography and Place Names: Political Geography of Sea Names), (2000), P. 6.

شود که چرا تا این اندازه برای دولت‌ها و مردمانشان با اهمیتند به طوری که بالقوه می‌توانند تبدیل به موضوعی مناقشه برانگیز و تنش‌زا بین کشورها شوند و به تبع آن صلح و امنیت آن منطقه را به خطر اندازند؟ آیا می‌توان بیان داشت که نام‌های مکانی در زمره نشانه‌های جغرافیایی‌اند؟ دیدگاه حقوق بین‌الملل که بر پایه زیست مسالمت‌آمیز ملت‌ها بنا شده، از ابعاد گوناگونش از جمله: حقوق میراث فرهنگی بین‌المللی، حقوق فرهنگی بشر، حقوق بین‌الملل دریاها و همچنین اصول بنیادین حقوق بین‌الملل (اصل سلطه مؤثر)، نسبت به این نام‌های مکانی چیست آیا حقوق تاریخی به نام‌های مکانی نیز قابل تسری است و سازمان ملل به عنوان نهاد نمایندگی جامعه بین‌المللی چگونه، نقش خود را در این راستا ایفا می‌کند.

### گفتار نخست:

#### نام خلیج فارس در گستره تاریخ

گفته شده که خلیج فارس قدیمی‌ترین نام جغرافیایی برای قسمتی از آب‌ها می‌باشد. این احتمال وجود دارد که این نام مکانی برای زمان درازی به چالش کشیده نشده چرا که تشکیلات سیاسی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نسبتاً جدیدالتأسیس هستند.<sup>۲</sup> پارسیان باستان، ساکنان اصلی بخش جنوبی ایران، قبل از سایر اقوام آسیا با غرب روابط تجاری برقرار نمودند، پس به این اعتبار، برای اولین بار یونانیان، دریای جنوب ایران را خلیج فارس نامگذاری کردند، این نام قبل از اینکه ایران به عنوان یک ملت باشد، وجود داشت.<sup>۳</sup> (جغرافی دانان در نامگذاری سرزمینها و دریاها اصولی را رعایت کرده‌اند، به این معنا که نام طوایف و نژادهای هر منطقه به سرزمین آنها اطلاق شده است، و نام بیشتر رودها از رنگ آب‌ها، و اسم اغلب کوه‌ها در شباهت آنان به اجسام دیگر گرفته شده است. در نامگذاری دریاها از اصل محکمتری پیروی شده و تقریباً دریاها همیشه به نام کشور و سرزمینی که مجاور آن قرار داشته موسوم شده‌اند. همچون اقیانوس هند، خلیج مکزیک<sup>۴</sup>). و از آن پس این نام توسط جغرافی دانان، مورخان، جهانگردان و... مورد استفاده قرار گرفت. در میان ۶۰۰۰ نقشه تاریخی منتشر شده تا ۱۸۹۰ تنها سه نقشه به نام‌های خلیج بصره، خلیج قطیف و خلیج عربی اشاره دارند.<sup>۵</sup> از ۱۵۰۷ تا ۱۵۶۰ در کلیه موافقتنامه‌هایی که پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها با دولت ایران و یا هر نهاد سیاسی دیگر در خلیج

2. Alexander B. Murphy, "The Use of National Names for International Bodies of Water: Critical Perspectives", The Fifth International Seminar on the Naming of Seas: Special Emphasis Concerning the East Sea 1999. p. 9

3. Yearn Hong Choi, "Dual Names of the Sea and Islands in the World Atlas: The National Geographic's View", 10th International Seminar on the Naming of Seas, 2004, P. 2.

۴. جعفر فتح‌اللهی، وجه تسمیه خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس ۱۳۶۷، ۱۳۶۹،

چاپ دوم، ص ۴۴۲.

5. "Historical, Geographical and Legal Validity of the Name: PERSIAN GULF", Twenty-third Session United Nations Group Of Experts On Geographical Names, Item 14 of the Provisional Agenda: Activities relating to the Working Group on Exonyms, Vienna, 28 March – 4 April 2006, Prepared Working Group on Exonyms, Iran, Working Paper No. 61, P. 4.

فارس منعقد کرده‌اند، همه جا نام خلیج فارس آورده شده است.<sup>۶</sup> دقیقاً واضح نیست که چه وقت و کجا نام خلیج عربی استفاده شده، اما این احتمال هست که اولین بار در کشورهای عرب همسایه خلیج فارس بعد از استقلال و کشف نفت ابداع شده است. در خارج از شبه جزیره عربی نام مکانی خلیج عربی عموماً تا اواخر دهه ۱۹۷۰ استفاده نمی‌شده است. برخی نقشه‌های عربستان سعودی در ۱۹۶۸ این منطقه آبی را «الخلیج العربی» نشان می‌داد. نقشه‌های انگلیسی زبان در منطقه در خلال دهه ۱۹۷۰ استفاده از خلیج عربی را منتشر می‌نمودند.<sup>۷</sup> و از آن زمان تا به اکنون این نام به موضوعی مناقشه‌برانگیز بین ایران و کشورهای عربی تبدیل گردید. در حالی که تا پیش از این تاریخ تمامی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بدون هیچ گونه حساسیتی در تمامی اطلس‌ها و نقشه‌های جغرافیایی و کتاب‌های مدارس خویش منحصرأ از نام خلیج فارس استفاده می‌نمودند. همچنین در اولین کنفرانس سازمان ملل در مورد حقوق دریاها ۱۹۸۲، نماینده عربستان (آقای شکیری)<sup>۸</sup> از اصطلاح خلیج فارس استفاده نمود.<sup>۹</sup> تا اینجا با مختصر بررسی راجع به نام خلیج فارس، دریافتیم که آنچه در بادی امر، چیزی جز یک بازی سیاسی نبود چگونه به عامل تنش و اختلاف بین ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تبدیل گردید و زمینه ساز بروز اختلافات حقوقی و سیاسی بین کشورهای مذکور گردید.

## گفتار دوم:

### نام‌های مکانی به مثابه میراث معنوی ملل

ما در زندگی روزمره به نام‌های جغرافیایی<sup>۱۰</sup> به عنوان چیزی خاص و ویژه توجه نمی‌نماییم. بلکه به عنوان چیزهایی بدیهی (بر حسب معمول و طبق عادت) وجود دارند. وقتی به آنها نیاز داریم از آنها استفاده می‌کنیم بدون آنکه در مورد آنها بپرسیم. اما اگر سوالی هم پرسیده شود این است که:

۶. اولین موافقتنامه چندجانبه و مهمی که شیوخ و اعراب سواحل جنوبی خلیج فارس منعقد کرده‌اند، موافقتنامه ۸ ژانویه ۱۸۲۰ میلادی است که با عنوان «قرارداد کلی با قبایل عرب در خلیج فارس» تنظیم گردیده و در متن موافقتنامه هرگاه اشاره‌ای به دریای جنوب ایران شده آن را خلیج فارس نامیده‌اند. از آن به بعد نیز در کلیه موافقتنامه‌هایی که اعراب هم شرکت داشتند، حتی در متن عربی «الخلیج الفارسی»، و در متن انگلیسی Persian Gulf نام برده‌اند. از جمله می‌توان به یادداشت‌های متبادل بین امیر کویت و نمایندگان انگلستان در خلیج فارس اشاره کرد که در واقع سند استقلال کویت به شمار می‌روند. این سند در ۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ میلادی توسط عبدالله السالم الصباح امضا شده است، طبق اصل ۱۰۲ منشور سازمان ملل، در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت رسیده و در ارکان سازمان ملل، قابل استناد است. فریبرز بختیاری اصل، «خلیج همیشه فارس»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، اردیبهشت ۱۳۶۷، صص ۱۴۸-۱۵۰.

7. Alexander B. Murphy, *op. cit.*, p. 9.

8. Mr. Shukairi

9. Abbas Bagherpoor Ardekani, "The Name Of The Persian Gulf", Iranian Yearbook Of International and Comparative Law, 2007, Vol. 2, p. 600.

10. Geographical Names

چگونه و چرا نام‌های جغرافیایی به وجود آمده‌اند و چه معنی را دربر دارند؟ آنها را به کرات به کار می‌بریم بدون آنکه به اهمیتش در ابعاد مختلف تاریخی، فرهنگی، هویتی و ... توجه نماییم و یا حتی آگاه باشیم.

نام‌های جغرافیایی به ویژه آنهایی که پیشینه تاریخی را با خود حمل می‌نمایند، در تاریخ و فرهنگ هر ملتی با اهمیتند.<sup>۱۱</sup> هر یک از نام‌های جغرافیایی سه ویژگی مهم دارند که عبارت است از ویژگی مکانی، پیشینه تاریخی، معانی و ریشه زبانی. نام‌های جغرافیایی جزئی از تاریخ، جغرافیا، اساطیر، فرهنگ و آداب یک ملت و به عبارت دیگر، شناسنامه تمام عیار کشورها و ملت‌ها هستند و بی شک حراست از آنها، همچون نگهداری از اشیاء باستانی و اسناد هویتی ملت‌ها، به عنوان ذخایر مادی و معنوی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. بهمین دلیل است که هر گونه تغییر و یا تخریب در نام‌های جغرافیایی نکوهیده محسوب می‌شود.<sup>۱۲</sup> نام‌های مکانی همچون نام کوه‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، بیابان و دشت‌ها، روستاها، شهرک‌ها و شهرها و همچنین نام مکان‌های تاریخی و مکان‌هایی که در بر دارنده اطلاعات باستانی، فرهنگی و تاریخی است که مقداری از این اطلاعات را در منابع تاریخی مدون و غیرمدون نمی‌توان یافت، را شامل می‌شود.<sup>۱۳</sup> نام‌های جغرافیایی بازگوینده هویت طبیعی و فرهنگی پدیده‌های جغرافیایی روی زمین، از آب‌ها گرفته تا خشکی‌ها هستند که در روندی تاریخی و جغرافیایی، و اغلب به دور از امیال سیاسی و اجتماعی انسانها پدیدار می‌آیند.<sup>۱۴</sup>

با توجه به نقش مهمی که نام‌های جغرافیایی به مثابه میراث ماندگار بشریت ایفا می‌نمایند، کشور نروژ سال ۲۰۰۹ را به عنوان سال میراث فرهنگی نامگذاری نمود و یکی از اهداف خود، از این نامگذاری را آگاه نمودن مردم از ارزش‌های والای نام‌های جغرافیایی بیان نمود. چرا که نام‌های جغرافیایی بخشی از میراث فرهنگی ناملموس را تشکیل می‌دهند و نمایاننده ارزش‌های مهمی در یک جامعه می‌باشند، که نه تنها به عنوان عناوین انکارنشدنی و یا اصطلاحات منتسب شده به محیط‌ها هستند، بلکه به عنوان موضوعات تاریخی و سمبلی از هویت می‌باشند.<sup>۱۵</sup> شناسایی مکان‌ها با نام‌های اصیلشان، حقوق مردمان آن مکان‌ها و حتی می‌توان گفت فراتر از آن مکان‌ها را

11. Historical Geographical Names: Their Role in the History and Identification of the Nations", Twenty-fifth session United Nations Group Of Experts On Geographical Names, Nairobi, 5-12 May 2009, Working Paper no.68, p.1 Prepared by Bahram Amirahmadian.

۱۲. زکبه تقی‌زاده، «حق بر نام‌های تاریخی و جغرافیایی از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حقانیت نام خلیج فارس»، مقاله برگزیده پنجمین همایش نام‌های جغرافیایی «صیانت از نام خلیج فارس»، سازمان نقشه‌برداری کشور، اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۲.

13. Prepared by Bahram Amirahmadian, op. cit., p. 2.

۱۴. پیروز مجتهدزاده، «تغییر ناپذیری نام‌های جغرافیایی اصلی از اصول جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل است»، روزنامه ایران، شماره ۵۰۶۲ به تاریخ ۹۱/۲/۵، صفحه آخر، صفحه ۲۸.

15. Place-Names Activities in 2009: The Year of Cultural Inheritance in Norway", Twenty-fifth session United Nations Group Of Experts On Geographical Names, Nairobi, 5-12 May 2009, Working Paper no. 37, p. 2 Prepared by Botolv Helleland.

نسبت به هویت فرهنگی و تاریخی رقم می‌زند. و همچنین مقادیر قابل توجهی از اطلاعات بی‌همتا در زمینه هویت فرهنگی، اجتماعی و تاریخی و جغرافیایی یک مکان را ارائه می‌نمایند. عدم دقت در نام مکان‌ها و عارضه‌های جغرافیایی می‌تواند سبب ایجاد آشفتگی و پراکندگی‌هایی در زمینه نام مکان‌ها، گردد. از این‌رو اهمیت ثبت صحیح نام‌ها مطرح می‌شود.<sup>۱۶</sup>

پابندی به تغییر ناپذیری نام‌های مربوط به پدیده‌های جغرافیایی مشترک میان دو یا چند کشور نشان از علمی زیستن ملت‌های صلح طلب دارد و بی‌اعتنایی بدان سبب درگیری‌های سیاسی و به خطر افتادن صلح و امنیت منطقه‌ای و حتی فرا منطقه‌ای نیز می‌شود.<sup>۱۷</sup> اهمیت نام‌های مکانی به حدی است که کنفرانس و گروهی به نام "گروه کارشناسان سازمان ملل برای نام‌های جغرافیایی" توسط شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل پدید آمد که بیشتر بدان خواهیم پرداخت.

### گفتار سوم:

#### نام خلیج فارس از منظر اصل سلطه مؤثر

در حقوق بین‌الملل به دلیل عدم تمرکز، یک وضعیت عینی در استقرار حق و یا در ایجاد حق بسیار مؤثر است. در حقیقت در نظام بین‌الملل، در ارزیابی وضعیت‌های حقوقی وجود یا فقدان کارایی یا مؤثر بودن می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید.<sup>۱۸</sup> در حقوق بین‌الملل مفهوم اصل سلطه مؤثر<sup>۱۹</sup> به عنوان یک استدلال وقتی به کار می‌رود که حقوقی مورد ادعا باشد یا باید اثبات شود، یا باید به رسمیت شناخته شود، و یا وقتی که از تصدیق حقوق متناسبه امتناع شده است. در همه این وضعیت‌ها، وجود یا عدم وجود اصل سلطه مؤثر می‌تواند یا حتی باید برای آن، قطعی باشد.<sup>۲۰</sup> اصل سلطه مؤثر مبتنی بر حفظ وضعیت موجود است پس دارای ثبات و قوه جابرانه است و گرایش به صلح در آن وجود دارد. یعنی بر اساس مفهوم فعلی حقوق بین‌الملل، این اصل باید از تثبیت نظم حقوقی بین‌المللی<sup>۲۱</sup> حمایت کند. (نظم حقوقی بین‌المللی حاکی از صحیح بودن نام خلیج فارس است که به کرات در نقشه‌های رسمی و اسناد مختلف سازمان ملل و سازمان‌های وابسته به کار رفته است). درست است که این اصل در حوزه تثبیت حاکمیت ارضی کشورها

۱۶. گزارش نهمین نشست ناحیه‌ای استانداردسازی نام‌های جغرافیایی گروه جنوب غرب آسیا (به جز کشورهای عربی)، نشریه نقشه‌برداری، مرداد ۱۳۹۰، ش ۱۱۰، ص ۲۰.

۱۷. پیروز مجتهدزاده، پیشین، ص ۲۸.

۱۸. محمد قربان‌پور نجف‌آبادی، «تأثیر اصل سلطه مؤثر بر حاکمیت ارضی کشورها در حقوق بین‌الملل»، رساله

دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، سال تحصیلی ۹۰-۸۹، صص ۱ و ۴۰.

19. The Principle of Effectiveness

20. Karl Doehring, Effectiveness, Encyclopedia of Public International Law, North Holland, 1985, Vol.8, p.70

۲۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص نظم حقوقی بین‌المللی مراجعه شود به: حسین شریفی طرازکوهی، قواعد آمره

و نظم حقوقی بین‌المللی، تهران مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.

نقشی مهم و سازنده دارد، اما در حوزه‌های متفاوت حقوقی نیز قابلیت استعمال و استناد دارد.<sup>۲۲</sup> برخی حقوقدانان<sup>۲۳</sup> برای تثبیت حاکمیت اسرائیل به این اصل استناد می‌نمایند و می‌گویند موجودیت آن کشور امری است پایان یافته و واقعی است ثابت و هرگونه کوشش برای ستیزه با این واقعیت، یا اصلاح و تعدیل آن مخالف نظم جامعه بین‌المللی است.<sup>۲۴</sup>

بایسته است اگر برای نام خلیج فارس نیز به این اصل که مبتنی بر حفظ وضعیت موجود است و گرایش به صلح در آن موج می‌زند، استناد شود، چرا که تغییر نام خلیج فارس می‌تواند بالقوه منشاء ایجاد تنش و در ابعادی گسترده‌تر به خطر افتادن صلح و امنیت در منطقه شود و به عنوان عملی غیر قابل تحمل با پیامدهای خیلی جدی، در جهت صلح و امنیت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و انکار تاریخ یک منطقه و مردم آن تلقی شود، به علاوه می‌تواند زمینه ساز تغییر دیگر نام‌های جغرافیایی شود و به تبع اینها وضعیت‌های پیچیده‌تری ایجاد شود.

### گفتار چهارم:

#### نام خلیج فارس از منظر حقوق میراث فرهنگی بین‌المللی

همان‌طوری که تاریخچه زیست‌شناسی، از روی فسیل‌ها و تاریخچه زمین‌شناسی، از روی رسوبات قابل تشخیص است، نام‌های مکانی نیز تاریخ فرهنگی هر کشوری هستند، زیرا منعکس‌کننده نژادهای گوناگون، اقتصاد، سیاست و دیگر تحولات در تاریخچه آن کشور به شمار می‌روند.<sup>۲۵</sup>

آنچه که حاصل تفکر، اندیشه‌ها، باورها، اعتقادات و تلاش‌های گذشته یک ملت و جامعه بوده و به صورت سنت‌ها، باورها، آداب و رسوم تبلور یافته و به نسل‌های بعد منتقل شده، میراث فرهنگی آن ملت گفته می‌شود. این آثار خواه مادی مانند ابنیه و اشیاء و خواه غیرمادی مانند آداب و رسوم، اصطلاحات شفاهی و اعتقادات، در زمره میراث فرهنگی شناخته می‌شوند.<sup>۲۶</sup> میراث

۲۲. محمد قربان‌پور نجف‌آبادی، پیشین.

۲۳. از جمله این حقوقدانان جنینگز است. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: هنری کنان، فلسطین و حقوق

بین‌الملل، غلامرضا فدائی عراقی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴.

۲۴. سید قاسم زمانی، تقریرات درس مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها، سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰

۲۵. گفته بالا که متعلق به Petar Ilivski است، به وسیله یکی از شرکت‌کنندگان در سمپوزیوم و شرح مذاکرات «نام‌های جغرافیایی بخشی از میراث فرهنگی» نقل قول شده است و قسمت ارائه شده از این مقاله به طور خیلی جالبی مفهوم نام‌های جغرافیایی، مکان نام‌ها یا نام‌های وابسته به مکانی را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ترسیم نموده است. برای مطالعه بیشتر به مقاله:

Symposium and Proceedings "Geographical Names as a Part of the Cultural Heritage", Twenty-fifth session United Nations Group Of Experts On Geographical Names, Nairobi, 5-12 May 2009, Working Paper no. 3, p. 3 Prepared by Peter Jordan (Austria), Chair, Dutch- and German-speaking Division.

۲۶. مجتبی نقدی- اصغر نارویی، جرائم علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، تهران، انتشارات

جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۴۸.



فرهنگی هر ملتی، نه تنها به آن ملت، که به تمامی بشریت تعلق دارد و بی توجهی بدان موجب فقر میراث فرهنگی کلیه ملل خواهد شد.<sup>۲۷</sup> حال مسأله‌ای که در اینجا جلب توجه می‌نماید این است که چرا باید در قانونگذاری چه در سطح ملی و چه بین‌المللی به میراث فرهنگی توجه نماییم؟ توجه به مفاهیم و ارزش‌های نهفته در میراث فرهنگی که حاصل حیات طولانی ملتی در طول تاریخ است، نشان می‌دهد که در طول تاریخ، زندگی هر نسلی متناسب با شرایط زمان و مکان، تجارب نسل‌های پیشین را دریافت و تکمیل کرده یا عیناً و یا به صورتی متکامل‌تر در حیات جاری خود جریان داده است. از این رو در حقیقت در حیطه حقوق عرفی، وظیفه قانونگذار کشف سیر تحولات روابط اجتماعی و قانونمند ساختن آن است.<sup>۲۸</sup> از سوی دیگر توجه به میراث فرهنگی در سطح جهانی، از اواخر قرن هفدهم که افکار نویسندگان و فلاسفه به حقوق بشردوستانه و کاهش دامنه آسیب‌های وارده از جنگ به دستاوردهای بشری معطوف شد، میراث فرهنگی نیز به تعبیر گوناگون، جای خود را در عالم اندیشه بشری باز کرد.

هر چند هنوز حفاظت از اموال فرهنگی به عنوان یک اصل مورد قبول عمومی، در نیامده بود، ولی حس احترام به میراث فرهنگی، برانگیخته شده بود. حضور میراث فرهنگی در حقوق بین‌الملل با تأخیر بیشتری نسبت به حقوق داخلی انجام گرفت. اولین معاهدات جهانی در حیطه میراث فرهنگی در سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و به منظور حفاظت از میراث فرهنگی در قبال صدمات ناشی از جنگ شکل گرفت و در نهایت به تدوین معاهده ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل ۱۹۹۹ منجر گردید. توجه به میراث فرهنگی به موازات ارتقاء اندیشه و تفکر فرهنگی جهانی رشد چشمگیری پیدا کرده است، اما تشکیل سازمان یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵، نقطه عطفی در قانونمند شدن توجه جهانی در موضوع میراث فرهنگی به شمار می‌رود.<sup>۲۹</sup>

کشور طبیعتاً منطقه‌ای است با مردم و سرزمینی که به واسطه علایق مشترک، تاریخ و خاطرات به هم پیوند خورده‌اند. نام‌های مکانی، نقش نمادین مهمی را در این رابطه ایفا می‌کنند. در واقع میراث فرهنگی و مردم یک کشور اجزای تشکیل دهنده منظره نمادین آن کشور در نظر گرفته می‌شوند. میراث فرهنگی با دو عنصر ملموس (مادی) و ناملموس (معنوی)<sup>۳۰</sup>، پایه بنیادین هویت فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهد.<sup>۳۱</sup> میراث فرهنگی ملموس همچون ساختمانها، مکان‌های تاریخی، ابزارها و حکاکی‌ها است، اما میراث فرهنگی ناملموس همچون فولکلور، داستانها، زبانها

27. Craig Forrest, *International Law and the Protection of Cultural Heritage*, Simultaneously Published in the USA and Canada, Routledge, First Published, 2010, p. 28.

۲۸. یونس صمدی، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی، جلد اول، تهران، اداره کل آموزش و انتشارات و

تولیدات فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۳.

۲۹. یونس صمدی، پیشین، جلد دوم، صص ۸-۷.

30. Tangible and Intangible Element

31. Janet E. Blake, "The Nomenclature of the Persian Gulf from the the Perspective of International Cultural Heritage Law", *Iranian Yearbook Of International and Comparative Law*, 2007-2008, Vol.3, P.22.

و مکان نام‌ها (نام‌های جغرافیایی) است.<sup>۳۲</sup> در بخش سوم گزارش کار نهمین کنفرانس سازمان ملل در مورد یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی در اوت ۲۰۰۷ در قسمت (IX/4)<sup>۳۳</sup> نام‌های جغرافیایی را به عنوان میراث فرهنگی ناملموس<sup>۳۴</sup> شناخته است و در قسمت نهم دستور کار موقتی دهمین کنفرانس<sup>۳۵</sup> نیز آنها را به عنوان فرهنگ، میراث و هویت<sup>۳۶</sup> دانسته است. در سال ۲۰۰۳<sup>۳۷</sup> کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس توسط یونسکو به تصویب رسید. در بند (۱) ماده ۲ این کنوانسیون میراث فرهنگی ناملموس به:

رسوم، نمایش‌ها، اصطلاحات، دانش‌ها، مهارت‌ها، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاهاى فرهنگى مرتبط با آنها، اطلاق مى‌شود که جوامع - گروه‌ها و در برخی موارد افراد، آنها را به عنوان بخشى از میراث فرهنگى خود مى‌شناسند. این میراث فرهنگى ناملموس که از نسلى به نسل دیگر منتقل مى‌شود همواره توسط جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط، طبیعت و تاریخ آنها مجدداً خلق مى‌شود و حس هویت و استمرار را برای ایشان به ارمغان مى‌آورد و بدین ترتیب احترام به تنوع فرهنگى و خلاقیت بشرى را ترویج مى‌کند.

در بند (۲) ماده ۲ نیز سنت‌ها و اصطلاحات شفاهى، هنرهای نمایشی، رسوم اجتماعی، دانش مربوط به طبیعت و کیهان و مهارت در هنرهای دستی سنتی را از جمله عرصه‌هایی دانسته است که میراث فرهنگی ناملموس در آنجا پدیدار می‌شود.<sup>۳۸</sup>

سه ویژگی در تعریف میراث فرهنگی در بند (۱) ماده ۲ به دست داده می‌شود:

۱- اهمیت تداوم تاریخی میراث فرهنگی ناملموس

۲- انتقالش از نسلی به نسل دیگر

۳- نقش سازنده‌اش در هویت فرهنگی.

که این سه ویژگی در رابطه با نام تاریخی خلیج فارس وجود دارد. بنابراین نام خلیج فارس در زمره اصطلاحات شفاهى (بند ۲ ماده ۲) است و باید به عنوان جزء سازنده میراث فرهنگی ناملموس ایران، و گرنه کشورهای منطقه و جهان تلقی شود. در مقدمه کنوانسیون «نگرانی عمومی در حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس بشریت»<sup>۳۹</sup> ذکر شده که وقتی با توجه به مقصود کنوانسیون

32. Prepared by Botolv Helleland, op. Cit., P. 2.

33. Ninth United Nations Conference on the Standardization of Geographical Names, New York, 21-30 August 2007, E/CONF.98/136, p. 34.

34. Geographical names as intangible cultural heritage

35. Tenth United Nations Conference on the Standardization of Geographical Names, New York, 31 July to 9 August 2012, Item 3 (b) of the provisional agenda, E/CONF.101/1, p. 2.

36. Geographical names as culture, heritage and identity

۳۷. سال ۲۰۰۳ به عنوان سال جهانی میراث فرهنگی معنوی معرفی گردید.

۳۸. در این کنوانسیون تنها به آن قسم از میراث فرهنگی ناملموس توجه می‌شود که با اسناد بین‌المللی حقوق بشر

موجود و نیز با ضرورت احترام متقابل میان جوامع، گروه‌ها و افراد و لزوم توسعه پایدار منطبق باشد.

کیوان غنی کله لو، جرائم علیه میراث فرهنگی (مطالعه تطبیقی)، تهران، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه،

چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۳۹.

39. Common Concern to Safeguard the Intangible cultural Heritage of Humanity

(گنجنامه در بند ۱ ماده ۱) حفاظت از میراث فرهنگی نا ملموس، خوانده می‌شود، به یک وظیفه عمومی قرار داده شده بر هر طرف در محافظت نه تنها میراث فرهنگی نا ملموس موجود در سرزمینش بلکه همینطور میراث فرهنگی موجود در مناطق بین‌المللی نیز اشاره دارد.<sup>۴۰</sup> پس نام خلیج فارس به موجب حقوق میراث فرهنگی بین‌المللی تأیید و به رسمیت شناخته شده است.

### گفتار پنجم:

#### نام خلیج فارس از منظر حقوق فرهنگی بشر

برای بررسی نام خلیج فارس از این منظر که آیا می‌توانیم با توسل به حقوق فرهنگی (به عنوان بخشی با اهمیت از حقوق بشر)، بگوییم که ملت ایران دارای حقی بشری در این زمینه است، بایسته است اول به مفهوم و مصادیق حقوق فرهنگی بپردازیم.

با گذشت بیش از شصت سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر که در آن از حقوق فرهنگی به عنوان بخشی از حقوق بشر یاد شده است، اما این بخش نه تنها تبیین و اجرا نشده است که حتی ناشناخته باقی مانده است. در چارچوب حقوق بین‌الملل این دسته از حقوق بسیار کمتر از سایر بخش‌های حقوق توسعه یافته است. حقوق فرهنگی مفهومی در حال رشد است و محتوای دقیق آن هنوز مشخص نیست.<sup>۴۱</sup> حقوق فرهنگی را در اسناد متعدد حقوق بشری می‌توان مشاهده نمود. مصداق‌های این حق را می‌توان در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۳ تا ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دید. البته در مواد ۱۳ تا ۱۵ میثاق، حقوق فرهنگی فردی (شامل دو مقوله حق بر آموزش و حق بر مشارکت فرهنگی با تأکید بر حق مالکیت معنوی) و حقوق فرهنگی جمعی (شامل دو مقوله مشارکت در زندگی فرهنگی و پیشرفت علمی از یک سو و تعیین سرنوشت فرهنگی از سوی دیگر) از یکدیگر قابل تشخیص است.<sup>۴۲</sup> حقوق فرهنگی طبق ماده ۲۷ اعلامیه و ماده ۱۵ میثاق مشتمل بر این اجزاء چهارگانه اند:

الف- حق هر کس نسبت به مشارکت در زندگی فرهنگی.

۴۰. شایان ذکر است که نه تنها ایران بلکه ۱۳ کشور عربی (یا بیشترشان یا آنهایی که در حوزه خلیج فارسند) نیز عضو کنوانسیون هستند. بنابراین شاید بتوان درجه ای از تعهد (اگرچه تعهدی مستقیم نیست) حداقل در رعایت احترام به نام خلیج فارس به عنوان بخشی از میراث فرهنگی نا ملموس ایران، بر این کشورها بار کرد.

Janet E. Blake, op. Cit. , P. 30.

۴۱. حمید رضا جمالی، میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل، جلد دوم، نشر فرهنگ شناسی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲.

۴۲. حق بر تعیین سرنوشت فرهنگی، در نظام بین‌الملل تحت عنوان (حقوق بشر و تنوع فرهنگی) و در حقوق داخلی تحت عنوان (حقوق فرهنگی اقلیت‌ها) قابل بررسی است.

سید محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۴۹۹.

ب- حق هر کس نسبت به برخورداری از مزایای پیشرفت‌های علمی و به کارگیری آنها.  
 ج- حق برخورداری از منفعت ناشی از حمایت از منافع مادی و معنوی حاصل از هرگونه محصول علمی، ادبی یا هنری در مواردی که منتفع پدیدآورنده است.  
 د- آزادی ضروری برای تحقیق علمی و فعالیت‌های ابتکاری.<sup>۴۳</sup>

بنابراین با توجه به نص صریح دو ماده مذکور که قلب تپنده حقوق فرهنگی‌اند نمی‌توانیم ارتباطی میان حقوق فرهنگی و میراث فرهنگی برقرار نماییم و آنگاه از این طریق احترام به رعایت نام‌های تاریخی و جغرافیایی که میراث فرهنگی ناملموسند (نام خلیج فارس) را خواستار شویم. یعنی با توجه به مفهوم کلی حقوق فرهنگی، میراث فرهنگی در این مقوله نمی‌گنجد.<sup>۴۴</sup> البته مفهوم آن در حال رشد است و به عنوان حقوقی اساسی توسط سازمان ملل، کمیسیونهای تبعی آن، یونسکو، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، دانشگاه‌ها و اشخاص، در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته و گام‌هایی در جهت شناسایی و اجرایی شدن آن در قالب تصویب کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعدد و در راس آنها اعلامیه فرایبورگ برداشته شده است.<sup>۴۵</sup> یونسکو در زمینه تعریف حقوق فرهنگی بر حسب حقوق آفریننده و انتقال دهنده فرهنگ، در کل حقوق مردم در اشاعه و مشارکت در زندگی فرهنگی و حقوق مردم در هویت فرهنگی کار کرده است.<sup>۴۶</sup> و معتقد است همان‌طور که حقوق بشر امری ضروری تلقی می‌شود، حقوق فرهنگی اشخاص و گروه‌های اجتماعی نیز باید به رسمیت شناخته شوند.<sup>۴۷</sup> (در پی تحولات همه جانبه در سه دهه اخیر مفهوم حقوق فرهنگی بسط داده شده و به صورت‌های مختلف در اسناد حقوقی بین‌المللی و دیدگاه‌های حقوقدانان مطرح شده است. از جدیدترین نظریه‌های مطروحه، ارتباط آن با میراث فرهنگی است.) در تأیید این مطلب در ۱۹۹۸ در پنجاهمین سال انتشار اعلامیه جهانی

۴۳. آسیبورن ایده/ کاتارینا کراوزه/ آلن روساس، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه اردشیر امیر ارجمند، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۷۹.

۴۴. با آنکه میثاق از قلمرو خیره کننده ای برخوردار است، از کلی بودن بیش از اندازه عبارات خود حتی در قیاس با منشور اجتماعی اروپا رنج می‌برد. در زمان تدوین میثاق، میزان تفصیلی که می‌بایست به مقررات میثاق داده شود بسیار محل مناقشه بود. گرچه گفته می‌شود عبارت کلی تر می‌تواند راه را برای تفسیرهای متعارض و سلیقه ای باز کند، مقرراتی که به صورت کلی انشاء شده غالباً به جهت اجتناب از محدود کردن قلمرو مواد و جلوگیری از تعارض با ضوابط ایجاد شده توسط کارگزاری‌های تخصصی ترجیح داده می‌شود. کلی و گستردگی مفاد میثاق را می‌توان در ماندگاری آن موثر دانست، چرا که مجال تفسیر پویا و متحول مقررات آن را فراهم می‌سازد. برای مطالعه بیشتر نک:

متیو سی. آر. کریون، چشم اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، سازمان انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۵۴.

۴۵. حمید رضا جمالی، عوامل موثر بر حمایت بین‌المللی و ارتقای حقوق فرهنگی بشر، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال چهارم، ش. ۱۰، ص ۹۵.

۴۶. متیو سی. آر. کریون، پیشین، ص ۷۰-۳۵.

۴۷. حمید رضا جمالی، عوامل موثر بر حمایت بین‌المللی و ارتقای حقوق فرهنگی بشر، پیشین، ص ۱۰۱.

حقوق بشر ۱۹۴۸ به حقوق فرهنگی و به ویژه ارتباطش با میراث فرهنگی اشاره می‌نماید.<sup>۴۸</sup> شایان ذکر است که در راستای تلقی جدید از مفهوم حقوق فرهنگی (همه انسانها حق دارند به ابزارهای فرهنگی دسترسی داشته باشند، در امر تولید فرهنگی مشارکت داشته باشند و از فرآورده‌های فرهنگی استفاده کنند) سازمان ملل و یونسکو فعالیت‌هایی در جهت تصویب کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های متعدد در حمایت از گفت و گوی تمدن‌ها و احترام متقابل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به یکدیگر، حفظ میراث فرهنگی، تبادل اطلاعات و فناوری و دسترسی همگان به توسعه‌های فرهنگی، آموزشی و علمی، نموده است را می‌توان به نوعی در اثر توجه این نهادها به حقوق فرهنگی ملت‌ها دانست.<sup>۴۹</sup>

با توجه به این مفهوم جدید، مفهوم هویت فرهنگی رابطه نزدیکی با حقوق فرهنگی برقراری کند و رابطه نزدیکی نیز بین حقوق فرهنگی و میراث فرهنگی ایجاد می‌نماید. میراث فرهنگی بخش جدایی ناپذیر هویت فرهنگی است و نیاز به هویت فرهنگی افراد، گروه‌ها و بشریت، نیاز به حفظ میراث فرهنگی را توجیه می‌نماید. و این ضرورت شناسایی حق بر میراث فرهنگی به عنوان یکی از حقوق بشر و النهایه بخشی از نسل سوم حقوق بشر به عنوان حقوق همبستگی و میراث مشترک بشریت را ایجاب می‌نماید.<sup>۵۰</sup>

بنابراین این مفهوم در حال تکامل حقوق فرهنگی به صورت مجموعه‌ای از قواعد حقوقی نرم<sup>۵۱</sup> درآمده و به سرعت در حال قرار گرفتن در بدنه اصلی حقوق بشر است. (پس این بعد حقوق فرهنگی در مسأله نام خلیج فارس، به آن جنبه میراث فرهنگی می‌دهد.) حفاظت از منزلت بشری مفهوم بنیادین مبتنی بر حقوق بشر است که به نظر می‌رسد حفاظت از میراث فرهنگی به حس آگاهی و هشیاری مردم نسبت به منزلتشان کمک می‌نماید که باید از طریق حقوق بشر دیده شود.

در نتیجه ملت ایران بر مجموعه میراث فرهنگی و تاریخی خود (که شامل نام‌های جغرافیایی است که به طور سنتی برای پدیده‌های جغرافیایی استفاده می‌کرده است) که عنصر اساسی در توسعه فرهنگی و هویت فرهنگی ملی خویش است، حق حفاظت دارد و این حق بر هویت فرهنگی باید که توسط دیگر کشورها مورد احترام قرار گیرد<sup>۵۲</sup>، چرا که اگر نام خلیج فارس به وسیله واژه‌های دیگر جایگزین شود ضربه‌ای به هویت فرهنگی مردم ایران و منطقه خواهد بود.

۴۸. حمید رضا جمالی، میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل، پیشین، ص ۱۱۶. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: (UNESCO, Cultural Right and Wrongs, Unesco Publishing, Paris, 1998)

۴۹. حمید رضا جمالی، عوامل موثر بر حمایت بین‌المللی و ارتقای حقوق فرهنگی بشر، پیشین، ص ۱۰۲.

۵۰. حمید رضا جمالی، میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل، پیشین، ص ۱۵۰-۱۱۰.

51. Soft Law

52. Janet E. Blake, op. cit. , p. 27.

## گفتار ششم:

## نام خلیج فارس به عنوان دریایی نیمه بسته

در سرتاسر تاریخ، هرگاه بشر سرزمین جدیدی را کشف نموده، عموماً این سرزمین را به عنوان قسمتی از سرزمین تحت حاکمیتش نگه می‌داشت. عمل گذاشتن پرچم ملی در آن سرزمین جدیدالاکتشاف و نامگذاری آن رسمی دیرینه در اکتشاف سرزمین است. استدلالی که درباره نام‌های جغرافیایی ملی وجود دارد این است که کشورها بر استاندارد (مرسوم) کردن نام‌های درون سرزمین خویش حق دارند. حال چطور مطالعه اخیر با منطقه دریای آزاد یعنی جایی که تحت سلطه هیچ حاکمیتی نیست یا مناطقی که تحت حاکمیت بیش از یک کشورند ارتباط پیدا می‌کند. بر حسب کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها<sup>۵۳</sup>، این مطلب بر مناطقی که خارج از دریای سرزمینی ملت‌هاست اشاره دارد. در واقع یکسان‌سازی نام پدیده‌های زیر آبها<sup>۵۴</sup> و دریای آزاد<sup>۵۵</sup> محرز شده است.<sup>۵۶</sup>

موضوع نام‌های جغرافیایی اگر چه در کنوانسیون سازمان ملل برای حقوق دریاها (UNCLOS) مورد اشاره واقع نشده است، اما طرح هر گونه بحث مربوط به حاکمیت و تحدید حدود مناطق دریاها و اقیانوس‌ها در آن به نحو ضمنی در برگزیده مباحث مربوط به حقوق نام‌های جغرافیایی و تاریخی نیز هست.<sup>۵۷</sup>

نهادهای مختلفی وجود دارد که صراحتاً به عنوان مراجعی برای یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی هستند. در واقع سازمان ملل و سازمان بین‌المللی هیدروگرافی،<sup>۵۸</sup> نهادهای اساسی در ارتباط با کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق دریاها در مورد یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی هستند.<sup>۵۹</sup> از این بابت، حداقل دو قطعنامه مهم توسط IHO و UNCLOS به ترتیب پذیرفته شد. قطعنامه IHO ۱/۱۹۷۲ «یکسان‌سازی بین‌المللی نام‌های جغرافیایی» و قطعنامه UNCLOS III/20 «نام‌های پدیده‌های فراتر از حاکمیت یک دولت». این دو قطعنامه توصیه‌هایی برای استانداردسازی

53. The United Nations Convention On the Law of the Sea (UNCLOS)

54. Undersea Features

55. High Seas

56. National Geospatial-Intelligence Agency (NGA), Geographic names and UNCLOS, USA, 2011, p. 2.

۵۷. زکیه تقی‌زاده، پیشین، ص ۳.

58. The International Hydrographic Organization

59. National Geospatial-Intelligence Agency (NGA), op. cit., p. 1.

سازمان ملل در زمینه نام‌های جغرافیایی و مطالعه وجه تسمیه اسامی مناطق جغرافیایی در وهله اول از مجرای گروه کارشناسان سازمان ملل برای نام‌های جغرافیایی به بررسی موضوع نام‌های جغرافیایی پرداخت. از سوی دیگر سازمان بین‌المللی هیدروگرافی و کمیسیون بین دولتی اقیانوسی نیز از طریق کمیته فرعی نام‌های پدیده‌های زیر آب وابسته به منشور عمومی ژرفا شناسی اقیانوس در ارتباط با نام‌های جغرافیایی پدیده‌های زیر آب به فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی می‌پردازند. به واسطه این فعالیت‌ها، امروزه تعداد زیادی از کشورها به موضوع نام‌های جغرافیایی و تاریخی پدیده‌های زیر آب توجه نشان می‌دهند و این امر، زمینه‌الحاق کشورهای بسیاری را به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تقویت نموده است. زکیه تقی‌زاده، پیشین، ص ۳.

نام‌های جغرافیایی فراهم نموده‌اند. قطعنامه IHO در پاراگراف ۶ برخی پدیده‌های جغرافیایی همچون خلیج، تنگه، کانال یا مجمع‌الجزایر را نام برده است. در این مقرر و وجود دیگر پدیده‌های جغرافیایی را با آوردن عبارت «همچون» فرض نموده است. UNCLOS دقیقاً دریای بسته یا نیمه بسته<sup>۶۰</sup> را به عنوان دیگر پدیده جغرافیایی بیان نموده است. بنابراین دریاها یا بسته یا نیمه بسته نوعی از پدیده‌های جغرافیایی‌اند که فراتر از حاکمیت یک کشورند به طوری که هر دو قطعنامه IHO و UNCLOS در مورد آنها اعمال می‌شوند. خلیج فارس و یا دریای شرق / دریای ژاپن نیز دقیقاً دریای نیمه بسته محسوب می‌شوند. منطقه انحصاری اقتصادی نوع جدیدی از مناطق دریایی به موجب UNCLOS است که عنصر مهمی برای نام دریاها می‌تواند باشد. منطقه انحصاری اقتصادی رسماً به عنوان تشکیل دهنده دریای بسته یا نیمه بسته‌ای که پدیده‌ای جغرافیایی است، شناخته شده است. کشورهای ساحلی مجازند که حقوق حاکمه را بر این منطقه اعمال نمایند. حقوق حاکمه‌ای از جمله اکتشاف و استخراج، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی، خواه جاندار یا غیرجاندار، و آب‌های فوقانی بستر دریاها و زیربستر دریاها را داراست. به علاوه صلاحیت وضع مقرراتی مطابق UNCLOS در رابطه با ایجاد و استفاده از جزایر مصنوعی، تأسیسات و ساختمان‌ها و تحقیقات علمی دریایی و حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی را دارد. حقوق حاکمه‌ای که کشور ساحلی اعمال می‌نماید، تمام حقوق حاکمه‌ای که آنها برای اهداف خاصی اعمال می‌نمایند، نیست. کشور ساحلی در اعمال حقوقش باید حقوق کشورهای دیگر را نیز رعایت بنماید. رویهمرفته حقوق حاکمه بر منطقه یاد شده عمدتاً استخراج و اکتشاف اقتصادی است، که تماماً مربوط به حوزه فعالیت IHO (مثلاً هیدروگرافی) است. هیدروگرافی توسط IHO به عنوان شاخه‌ای از علوم کاربردی است که با سنجش و تشریح پدیده‌های فیزیکی اقیانوس‌ها، دریاها، مناطق ساحلی، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها با هدف اصلی امنیت کشتیرانی و حمایت از همه فعالیت‌های دریایی از جمله توسعه اقتصادی، تحقیقات علمی و ... سروکار دارد. بنابراین نامگذاری جغرافیایی منطقه انحصاری اقتصادی باید به IHO مربوط باشد زیرا نیازمند یکسان‌سازی بین‌المللی است.<sup>۶۱</sup>

پس اگر چه «UNCLOS» شامل عبارت «نام‌های جغرافیایی» نمی‌شود ولی بالقوه مفاهیم و زمینه‌های قابل اعمال در نام‌های جغرافیایی را تأیید می‌نماید (به خصوص با توجه به ماده ۲۴۶ که مربوط به تحقیقات علمی است). پس از انعقاد کنوانسیون مزبور این استدلال همواره مطرح بوده که طبق ماده ۲۴۶، هر کشور ساحلی حق نامگذاری آب‌های دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی خود را دارد. چرا که این ماده از حق دولت ساحلی در اعمال صلاحیت اعم از حق

۶۰. مطابق ماده ۱۲۲ عهدنامه ۱۹۸۲ حقوق دریاها: (دریای بسته یا نیمه بسته، عبارت است از خلیج، آبراه دریایی که به وسیله چند کشور احاطه شده و از طریق گذرگاه باریکی به دریای دیگر یا اقیانوس مرتبط گردیده و یا اینکه کاملاً یا در اصل، از دریاهای سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی چند کشور تشکیل شده است).

61. Nohyoung Park, "Sovereignty in naming maritime geographical features", The 17th International Seminar on Sea Names 2011, pp. 3-10.

قانونگذاری و مدیریت و اقدام در زمینه تحقیقات علمی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره صحبت می‌کند. در تفسیری موسع این حق شامل حق نامگذاری نیز می‌شود.<sup>۶۲</sup> با در نظر گرفتن محدوده ۲۰۰ مایل دریایی برای مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره، خلیج فارس که دریایی نیمه بسته است، تحت پوشش مناطق انحصاری اقتصادی و فلات‌های قاره کشورهای ساحلی خلیج فارس درآمده است.<sup>۶۳</sup> (خطوط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان ترکیبی از خطوط مبدأ مستقیم و عادی است. البته به دلیل وجود جزایر ایرانی بسیار در اطراف سواحل ایران عمده خطوط مبدأ ایران را خطوط مبدأ مستقیم تشکیل می‌دهند، که استفاده از خطوط مزبور از سوی ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان موجب افزایش آب‌های داخلی تحت حاکمیت ایران گردیده و مناطق دریایی ایران را تا حد امکان در داخل خلیج فارس به سمت جلوتر انتقال داده است.)<sup>۶۴</sup> بنابراین ایران حق نامگذاری منطقه انحصاری اقتصادی خود در خلیج فارس را دارد.

از سوی دیگر با توجه به حقوق تاریخی<sup>۶۵</sup> شاید بتوان حق بر نام تاریخی خلیج فارس را مورد تأیید قرار داد. این اصطلاح عموماً مالکیت یک کشور را بر سرزمین معین یا مناطق دریایی مشخص می‌نماید. حقوقی که معمولاً به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل به آن کشور تعلق نگرفته است. چنین حقوقی از طریق فرآیند تثبیت تاریخی برای آن کشور حاصل آمده است.<sup>۶۶</sup> تحول دکترین حقوق تاریخی به بهترین وجه به واسطه منافع بنیادین جامعه بین‌المللی در حفظ ثبات و قطعیت همه مرزها تشریح شده است البته اگر با اصول اساسی حقوق بین‌الملل در تضاد نباشند. عناصر سازنده حقوق تاریخی عبارتند از: تسلط مؤثر (که خود به معنی تداوم تسلط و شهرت داشتن به این تسلط می‌باشد)، رضایت دیگر کشورها، فاکتورهای اساسی و جغرافیایی، فاکتور زمان، اثبات حقوق تاریخی.

گفته شد که به دلیل منافع جامعه بین‌المللی در حفظ و قطعیت همه مرزها، دکترین حقوق تاریخی تحول مفهومی پیدا کرد، نام خلیج فارس (نام‌های جغرافیایی) نه تنها نفع بنیادین جامعه بین‌المللی را در خود نهفته دارد بلکه با اصل اساسی و بنیادین حقوق بین‌الملل یعنی اصل استقرار وضعیت‌های حقوقی یا سلطه مؤثر یا کارایی نیز سازگار است. و عناصر سازنده حقوق تاریخی در مورد این نام نیز صادق‌اند. خلیج فارس با استناد به کتب و نقشه‌های تاریخی موجود بیش از ۳۰۰۰ سال است که با این نام شناخته شده است و در هیچ دوره‌ای از تاریخ نام دیگری جایگزین آن نشده و کماکان به این نام شهرت داشته و دارد، و به اعتبار اینکه در مجاورت کشور ایران قرار داشت، بدین نام نامیده شده است.

۶۲. زکیه تقی زاده، پیشین، ص ۵.

۶۳. فرهاد طلائی، حقوق بین‌الملل دریاها، تهران، جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۸۲.

۶۴. همان، ص ۲۸۳.

65. Historic Rights

66. Yehuda Z. Blum, "Historic Rights, Encyclopedia of Public International Law", North Holland, 1985, Vol.8, p.۱۲۰



### گفتار هفتم:

#### سازمان ملل متحد، نهادهای وابسته و استفاده از نام خلیج فارس

در سال ۱۹۵۹ شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل ECOSOC راه را برای دیدار گروهی کوچک از کارشناسان هموار نمود و پیشنهادهایی فنی در زمینه یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی در سطح ملی و بین‌المللی ارائه نمود. این دیدار به ایجاد کنفرانس سازمان ملل در مورد یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی<sup>۶۷</sup> و گروه کارشناسان سازمان ملل در مورد نام‌های جغرافیایی<sup>۶۸</sup> انجامید. کنفرانس یکسان‌سازی هر پنج سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد<sup>۶۹</sup> و گروه کارشناسان هر دو سال یکبار (در طول پنج سال) نشست برگزار می‌نماید تا اجرای قطعنامه‌های تصویب شده در کنفرانس را پیگیری نماید و از تداوم فعالیت‌ها در بین کنفرانس‌ها مطمئن شود. اکنون UNGEGN یکی از هفت بازوی تخصصی شورای اقتصادی اجتماعی است که دارای ۴۰۰ عضو از بیش از ۱۰۰ کشور است. این گروه تخصصی خارج از نشست‌هایش، وظایفش را از طریق گروه‌های جغرافیایی/ زبان‌شناسی و کارگروه‌هایش به انجام می‌رساند. گروه کارشناسان به عنوان نهادی مشاوره‌ای عمل می‌کند. تصمیمات این گروه در قالب پیشنهاد به کنفرانس یکسان‌سازی ارائه می‌شود و در صورت تصویب، بشکل قطعنامه به شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل ارسال می‌گردد. (ایران نیز از سال ۱۹۶۷ میلادی رسماً در کنفرانس‌های یکسان‌سازی شرکت کرده و گزارش ملی را که حاوی فعالیت‌های داخلی در زمینه نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی بوده را ارائه نموده‌اند.) تاکنون کنفرانس سازمان ملل در مورد یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ۱۰ اجلاس برگزار کرده و گروه کارشناسان سازمان ملل در مورد نام‌های جغرافیایی ۲۷ نشست داشته است.<sup>۷۰</sup>

یکی از مهم‌ترین دشواری‌های پیش روی کنفرانس یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی از آغاز کار تصمیم درباره وجود نام‌های دو یا چند گانه برای پدیده‌های عمده جغرافیایی بخصوص در بخش‌های دریایی جهان بوده است. نام‌هایی چون کانال مانش در تعاریف جغرافیایی فرانسوی در مورد دریایی که فرانسه را از بریتانیا جدا می‌سازد و کانال انگلیس یا کانال بریتانیا در نامیدن همان دریا، یا خلیج عقبه در امتداد شمال خاوری انتهای دریای سرخ که مردمان عبری یا یهودی آن را خلیج ایلات می‌خوانند. متأسفانه نام خلیج فارس نیز در فهرست مناطق جغرافیایی برخوردار از نام‌های متعدد آمده است که اشاره به استفاده برخی از عربان از نامی متفاوت برای این دریا دارد، در حالی که گروه کارشناسان نام‌های جغرافیایی تا کنون هیچ نام دیگری جز «خلیج فارس» را در مورد این دریا نپذیرفته است و خود سازمان ملل متحد از این دریا صرفاً به نام خلیج فارس نام

67. United Nations Conferences on the Standardization of Geographical Names (UNCSGN)

68. United Nations Group of Experts on Geographical Names (UNGEGN)

69. اولین کنفرانس در ژنو از ۲۲ تا ۴ سپتامبر ۱۹۶۷ برگزار گردید. و پس از دومین کنفرانس در ۱۹۷۲، گروه

کارشناسان تشکیل گردید.

۷۰. برای مطالعه بیشتر مراجعه نمایید به: <http://unstats.un.org/unsd/geoinfo/ungegn/default.html>

می‌برد.<sup>۷۱</sup>

گروه کارشناسان در بیست و سومین نشست خود در ۴ آوریل ۲۰۰۶، قسمتی از گزارش خود (پاراگراف ۱۰۷) را به اعتبار تاریخی، جغرافیایی و حقوقی نام خلیج فارس<sup>۷۲</sup> (که توسط کارشناسی از گروه جنوب غربی آسیا (بجز کشورهای عربی) ارائه شد)، اختصاص داد و بیان نمود که گروه کارشناسان این گزارش را به رسمیت می‌شناسند.<sup>۷۳</sup> در خلال بیست و پنجمین نشست عمومی یونسکو که در اکتبر ۱۹۸۹ در پاریس برگزار گردید، نمایندگان عرب استفاده از نام خلیج فارس توسط نماینده ایرانی را مورد اعتراض قرار دادند. در پاسخ به این اعتراض، دبیر کل یونسکو<sup>۷۴</sup>، رسماً اعلام نمود که: نام خلیج فارس یک نام معتبر و رسمی بین‌المللی است. به علاوه، وی بیان نمود که مطابق قطعنامه سازمان ملل، یونسکو تنها از نام خلیج فارس در اسنادش برای اشاره به آب‌های واقع شده بین ایران و دیگر کشورهای ساحلی آن استفاده می‌نماید.<sup>۷۵</sup> در واقع سند (AD311/1GEN 5) مارچ ۱۹۷۱) سازمان ملل در پاسخ به یادداشت ۲۳ فوریه ۱۹۷۱ دولت ایران مبنی بر استعمال نام کامل خلیج فارس در انتشارات و اسناد سازمان ملل و نهادهای وابسته، اذعان داشت که اصطلاح خلیج فارس، نامی معتبر و رسمی برای آن دریاست. و عرف جاری در دبیرخانه سازمان ملل متحد بر این است که در اسناد و نقشه‌های جغرافیایی منطقه آبی بین ایران و دیگر کشورهای ساحلی این دریا، خلیج فارس نامیده شود. بر اساس این یادداشت و روش سازمان ملل، هر گاه از نام مجعول یا ناقص به جای نام صحیح خلیج فارس استفاده می‌شده است، نمایندگی دائمی ایران تذکراتی به دبیرخانه داده است.<sup>۷۶</sup>

۷۱. پیروز مجتهدزاده، پیشین، ص ۲۸.

۷۲. در بخشی از گزارش آمده که حتی اگر جغرافی دانان گذشته نام خلیج فارس را انتخاب نکرده بودند، باز هم بهترین نام برای آن همان نام پرشیا است چرا که ایران بیشترین مرز را با این خلیج دارد و با جمعیتی حدود ۷۰ میلیون کشوری است که در میان کشورهای ساحلی خلیج بیشترین جمعیت را داراست. و در پایان از شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد درخواست می‌نماید تا بر استفاده از نام خلیج فارس تأکید نماید. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: "Historical, Geographical and Legal Validity of the Name: PERSIAN GULF", op. cit., pp. 1-8.

73. Report of the United Nations Group of Experts on Geographical Names on the work of its twenty-third session, Vienna, 28 March-4 April 2006, Item 13 (k) of the provisional agenda, E/2006/57, P. 21, Para. 106.

74. MR. Federico Mayor

75. Abbas Bagherpoor Ardekani, op. cit., p. 612.

۷۶. از جمله طی یادداشت شماره (C) LA45.8.2، مورخ ۱۰ اوت ۱۹۸۴ دبیرخانه در پاسخ به مکاتبات نمایندگی

ایران در خصوص به کار بردن نام صحیح و تاریخی خلیج فارس در اسناد و مدارک آن سازمان، آمده است: دبیرخانه مایل به تکرار و تأیید این موضوع است که رویه متعارف این بوده که در اسناد و انتشارات دبیرخانه از اصطلاح خلیج فارس استفاده شود. به این ترتیب دبیرخانه این کاربرد را که از دیرباز معمول بوده رعایت کرده است و چون لازم است که در اسناد سازمان ملل در اشاره به موضوعات جغرافیایی نوعی هماهنگی و یکنواختی وجود داشته باشد، لذا دبیرخانه معتقد است که باید اصطلاح خلیج فارس در اسناد، نقشه‌ها و ... که توسط این دبیرخانه و با مسؤلیت آن تهیه می‌شود به کار رود و به این ترتیب از مقبولترین کاربرد تاریخی آن استفاده شود.

فریبرز بختیاری اصل، پیشین، ص ۱۵۲.

در دسامبر ۱۹۸۹ مشاور حقوقی اتحادیه بین‌المللی مخابرات از راه دور، دوباره موضع دبیرکل سازمان ملل در مورد خلیج فارس را، در پاسخ به اعتراض عراق در مورد استفاده از این نام، یادآوری نمود. مشاور حقوقی سازمان ملل با تأکید بر تصدیق اعتبار و سندیت داده شده به این نام توسط دبیرکل سازمان ملل، از سیاست زدگی کنفرانس‌های علمی اظهار تاسف نمود. بدنبال این رویدادها، دبیرکل سازمان ملل در ژوئن ۱۹۹۰ دستورالعملی خطاب به دولت‌های عضو منتشر کرد که تنها از عنوان کامل خلیج فارس - که نامی رسمی و در سطح بین‌المللی شناخته شده است - در اشاره به این دریا، در اسناد صادره توسط دبیرخانه استفاده می‌شود. به عبارت دیگر دبیرخانه از دولت‌های عضو خواست که از نام غیرصحیح یا عنوان ناقص خلیج عربی، خلیج عربی - فارسی یا خلیج استفاده ننمایند. شورای امنیت نیز در برخی قطعنامه‌های خود در خصوص جنگ عراق علیه کویت مانند قطعنامه ۶۸۷ از نام خلیج فارس استفاده نموده است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه سکوه‌های نفتی، همچون لوایح ایران و ایالات متحده آمریکا، از نام «خلیج فارس» استفاده می‌نماید و در قضیه تحدید حدود دریایی و اختلافات ارضی میان قطر و بحرین در ۱۶ مارس ۲۰۰۱، جز در مواردی که به متن تاریخی و مستند خاصی با نام خلیج فارس استناد نموده، در سایر موارد از نام‌ها و عبارات غیر دقیق و ناصحیح استفاده کرده است.<sup>۷۷</sup> البته به نظر می‌رسد دیوان در این قضیه به دلیل حساسیت طرفین بر نام خلیج فارس با توجه به سیاست محافظه کارانه خود از این نام استفاده نمی‌نماید.

شایان ذکر است که گروه اختصاص یافته برای کارشناسی در مورد یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی، فعال در شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل، نیز بر استفاده صحیح از نام‌های تاریخی برای پدیده‌ها تأکید می‌نماید و در زمینه حل و فصل اختلافات راجع به نام‌های جغرافیایی فعالیت می‌نماید. رئیس کارگروه اطلاعات مکان نام‌ها<sup>۷۸</sup>، انگیزه تغییر نام خلیج فارس را صرفاً سیاسی دانسته است.<sup>۷۹</sup>

از دیگر دستورالعمل‌های سازمان ملل در مورد استفاده از نام خلیج فارس:

- Note No. LA45.82 dated Aug. 10, 1984 (New York)
- Circular No. CAB/1/87/63 dated 16.02.1987 of Managing Director of UNESCO.
- ST/CSSER/29 dated Jan. 10, 1990.
- AD/311/1/GEN dated March 5, 1991.
- ST/CS/SER.A/29/Add.1 dated Jan. 24, 1992.
- ST/CS/SER.A/29/Add.2 dated Aug. 18, 1994.
- ST/CS/SER.A/29/Rev.1 dated May 14, 1999.

۷۷. زکیه تقی زاده، پیشین، ص ۷.

78. Naftali kadmon

۷۹. برای مطالعه بیشتر فعالیت‌های سازمان ملل و نهادهای وابسته در مورد رسمیت نام خلیج فارس مراجعه نمایید

به:

فربرز بختیاری اصل، پیشین، ص ۱۵۱.

## گفتار هشتم:

## نشانه جغرافیایی و تریپس: نام خلیج فارس؟

اصطلاح نشانه جغرافیایی<sup>۸۰</sup> نسبتاً جدید است و به تازگی در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق مالکیت صنعتی و همچنین مذاکرات بین‌المللی مربوط مطرح گردیده است.<sup>۸۱</sup> این اصطلاح برای اولین بار در مقررات اتحادیه اروپا برای حمایت از اسامی مبدا و نشانه‌های جغرافیایی به کار رفته است.<sup>۸۲</sup> موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی (تریپس)<sup>۸۳</sup> جامع‌ترین موافقتنامه چند جانبه است که تا کنون در رابطه با حمایت از حقوق مالکیت معنوی تصویب شده است. این موافقتنامه در ارتباط با نشانه‌های جغرافیایی نیز دارای جامع‌ترین مقررات است. با توجه به بند (۱) ماده ۲۲ موافقتنامه تریپس، علائم و نشانه‌های جغرافیایی، نشانه‌هایی هستند که مبین و نشانگر مبدا کالا در قلمرو کشور عضو و یا منطقه و مکانی در آن قلمرو بوده که در آن مناطق کیفیت<sup>۸۴</sup> خاص، شهرت<sup>۸۵</sup> و یا سایر ویژگی‌های<sup>۸۶</sup> کالا را بتوان اساساً به مبدا جغرافیایی آن منتسب نمود.<sup>۸۷</sup>

بنابراین موضوع مورد حمایت نشانه‌های جغرافیایی، فرآورده‌های طبیعی و کشاورزی، صنایع دستی و محصولات صنعتی است که کیفیت، شهرت یا سایر خصوصیات آنها منتسب به یک مبدا جغرافیایی خاص باشد. همچون زعفران ایران، ساعت سوئیس.<sup>۸۸</sup> همان‌طور که ملاحظه شد نشانه‌های جغرافیایی مربوط به حقوق مالکیت صنعتی است در حالی که نام خلیج فارس نامی جغرافیایی است که هیچ‌گونه ارتباطی با نشانه‌های جغرافیایی نمی‌تواند داشته باشد.

## 80. Geographical Indications

۸۱ سید حسن میرحسینی، حقوق نشانه‌های جغرافیایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۳.

۸۲ در ماده ۲ آیین‌نامه مصوب ۱۹۹۹ میلادی اتحادیه اروپا آمده است:

نشانه جغرافیایی یعنی منطقه، مکان خاص یا، در موارد استثنائی، نام کشوری که برای توصیف یک محصول کشاورزی یا یک ماده غذایی به کار می‌رود که: بدا آن همان منطقه، مکان خاص یا کشور است، و دارای کیفیت، شهرت یا سایر خصوصیات خاص است که قابل انتساب به آن منطقه جغرافیایی هستند و تولید و یا فرآوری و یا تهیه آن در آن منطقه جغرافیایی تعیین شده، انجام می‌شود. سید حسن میرحسینی، همان، ص ۱۳.

## 83. Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

## 84. Quality

## 85. Reputation

## 86. Other characteristic

۸۷ میرحسینی، همان، ص ۱۴.

۸۸ ابراهیم رهبری، حقوق اسرار تجاری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،

چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲.

## نتیجه‌گیری

نام‌های مناطق جغرافیایی گواه سیر تاریخی یک ملت و ارتباطش با دیگر ملل و زبانهاست. بنابراین هر نام جغرافیایی پیامی است به نسل‌های حال و آینده که باید عهده‌دار محافظت از آنها باشند. این نام‌ها به دلایل سیاسی، قومی، نژادی و یا مذهبی به وجود نیامده‌اند که بدین دلایل قابل تغییر باشند. در نامگذاری خلیج فارس، که اولین بار یونانیان این نام را به اعتبار مجاورت آن با ایران بدان دادند، نیز هیچگونه عنصر ایرانی یا عربی دخالت نداشته است. چرا که نامگذاری دریاها بر این اصل استوار بود که در مجاورت چه اقوام و یا مللی است. همچون اقیانوس هند.

ادعاهایی که کشورهای عربی بر نام خلیج فارس مطرح می‌نمایند بر هیچ‌گونه پایه و اساس حقوقی و تاریخی استوار نیست. از میان ۶۰۰۰ نقشه تاریخی منتشر شده تا ۱۸۹۰ تنها سه نقشه به نام‌های دیگری غیر از خلیج فارس اشاره دارند. از طرفی هیچ اصل حقوقی در توجیه اقدام خودسرانه کشورهای عربی برای تغییر این نام تاریخی وجود ندارد، و با توجه به نبود هیچگونه اصل و رویه بین‌المللی و قاعده عرفی در این زمینه، تغییر نام خلیج فارس تحریف واقعیت و بر هم زنده نظم حقوقی بین‌المللی می‌شود که جدی‌ترین پیامد آن به خطر افتادن صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی می‌شود. اینجاست که به کمک اصل سلطه مؤثر می‌توانیم بر حق بودن نام خلیج فارس تأکید نماییم. از سویی دیگر با دقت در موافقتنامه‌های منعقد شده میان شیخ‌نشین‌های عرب حوزه خلیج فارس و کشورهای دیگر (از جمله جدیدترین یادداشت‌ها که در واقع سند استقلال کویت هستند) که با صراحت از نام خلیج فارس استفاده نموده‌اند، بایسته است که از اصل غیرقابل تفکیک بودن قراردادهای نام ببریم. مفاد یک قرارداد را نمی‌توان به‌طور دلخواه انجام داد چرا که قابل تفکیک نیستند، پس امضاء این اسناد مهر تأییدی بر نام خلیج فارس نیز می‌باشد. به ویژه سند استقلال کویت که جدیدترین آنهاست و مربوط به سال ۱۹۶۱ است. چرا که ادعا بر نام خلیج فارس از سال‌ها پیش آغاز شده بود.

یکی از جنبه‌های قابل اعمال حقوق بین‌الملل در این مقوله، حقوق دریاها بود. گفته شد که خلیج فارس دریایی نیمه بسته است. ایران در منطقه انحصاری اقتصادی (به عنوان تشکیل دهنده دریای بسته یا نیمه بسته شناخته شده است) خود در خلیج فارس دارای حقوق حاکمه است، که همواره این استدلال مطرح شده که در تفسیری موسع این حقوق شامل حق نامگذاری نیز می‌شود. به علاوه با در نظر گرفتن قطعنامه‌های صادره از سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان هیدروگرافی و نهادهای وابسته به سازمان ملل (UNCSGN و UNGEGN) شاهد یکسان‌سازی و حمایت از نام‌های مناطق جغرافیایی به ویژه پدیده‌های دریایی و زیر آب‌ها هستیم. از طرفی از حقوق تاریخی نیز در جهت اثبات حق بر نام خلیج فارس نام بردیم. گفته شد که حقوق تاریخی در مورد مالکیت بر عین (سرزمین و مناطق دریایی) کاربرد دارد، نام عین تفکیک‌پذیر از خود عین نیست، پس نام را هم شامل می‌شود. به علاوه، حقوق تاریخی به واسطه منافع بنیادین جامعه

بین‌المللی در حفظ ثبات و قطعیت همه مرزها تحول یافته است. نام خلیج فارس نه تنها نفع بنیادین جامعه بین‌المللی را داراست بلکه با اصول اساسی حقوق بین‌الملل نیز سازگار است. از سوی دیگر اگر حق بر این نام تاریخی را از بعد حقوق بشر مورد بررسی قرار دهیم، درمی‌یابیم که نام خلیج فارس مصداقی از حقوق فرهنگی بشر، البته با در نظر گرفتن رشد مفهومی آن در جهت هویت فرهنگی و به تبع آن، میراث فرهنگی، می‌باشد و در حال تبدیل شدن به قاعده حقوقی نرم است.

یکی دیگر از جنبه‌هایی که برای اثبات حق بر نام خلیج فارس می‌توان از آن سود جست حقوق میراث فرهنگی بین‌المللی است. به موجب کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو در مورد میراث فرهنگی ناملموس، نام‌های جغرافیایی در زمره میراث فرهنگی ناملموس قرار می‌گیرند و حفاظت از این میراث، با توجه به مقدمه و بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون مزبور، وظیفه‌ای عمومی است که بر هر طرف در محافظت از میراث فرهنگی ناملموس موجود در سرزمینش و نیز مناطق بین‌المللی اشاره دارد. بنابراین نام خلیج فارس جزء سازنده میراث فرهنگی ایران را تشکیل می‌دهد. و علاوه بر ایران دیگر کشورهای عضو نیز وظیفه محافظت از این نام تاریخی را بر عهده دارند. پس به موجب میراث فرهنگی بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است.

پیشتر نمایان شد که سازمان ملل نیز نام تاریخی خلیج فارس را برسمیت شناخته و منطقه آبی بین ایران و دیگر کشورهای ساحلی این دریا را خلیج فارس می‌نامد. دبیرخانه سازمان ملل طی یادداشت‌ها و دستورالعمل‌هایی خطاب به دولت‌های عضو و ارکان سازمان ملل و نهادهای وابسته به سازمان ملل خواست که در اسناد و انتشاراتشان از نام کامل خلیج فارس استفاده نمایند. به علاوه گروه کارشناسان سازمان ملل در مورد نام‌های جغرافیایی نیز طی بیست و سومین نشست خود قسمتی از گزارش خود را به اعتبار تاریخی جغرافیایی حقوقی نام خلیج فارس اختصاص داده است.

نکته‌ای که یادآوری آن خالی از لطف نیست، اینکه نشانه‌های جغرافیایی مربوط به حقوق مالکیت صنعتی است و موضوع مورد حمایت آن، فرآورده‌های طبیعی و کشاورزی، صنایع دستی و محصولات صنعتی است که کیفیت، شهرت یا سایر خصوصیات آن منتسب به یک مبدأ جغرافیایی خاص باشد. مانند فرش ایران. پس هیچ‌گونه ارتباطی بین قواعد مربوط به نشانه‌های جغرافیایی و نام مناطق جغرافیایی (نام خلیج فارس) وجود ندارد.

پس ملاحظه می‌شود که حق بر نام‌های تاریخی و جغرافیایی و حفاظت از آنها در ابعاد گوناگون حقوق بین‌الملل که در این نوشتار بیان شدند به سمت و سوی تشکیل قواعد حقوقی نرم و ایجاد قاعده‌ای عرفی به سرعت در حرکت است. و تغییرناپذیری نام‌های پدیده‌های جغرافیایی اصلی مشترک در جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل است که در حقوق بین‌الملل نیز پذیرفته شده است.

# JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. X, No. 2

2011-2

## Articles

- The Differences between Mistake and Ignorance to the Subject-Matter of Contract
- Bankruptcy in Fault and Fraud: From Commercial Code to Islamic Penal Code
- Complicity in Unintentional Crimes
- Concept and Nature of Future Contracts
- Analysis The Theory of the Unification of Transnational Commercial Contracts Law
- Peace and Human Rights in Curriculum under the International Instruments

## Special Issue: Cultural Heritage Law: Capacities and Challenges

- Unable Justice and Preservation of Cultural Heritage
- Islamic Penal Code of Iran on Crimes against Cultural Property: 566 bis Article
- Copyright Protection for Architectural Works
- Some Strategic Developments in Restitution of the Cultural Property in Contemporary International Law
- New Developments in Restitution of Cultural Property with a View to Restitution of Indigenous People's Cultural Property
- The Protection of Cultural Property in Times of Armed Conflicts: The Practice of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia
- "Functional" Concept Evolution of Cultural Property in a More Humanization of International Law
- Deficiencies in Legislations for Protection of Cultural Heritage
- Right on the Historical Name of the Persian Gulf from the Perspective of International Law
- Examining Various Mechanisms for International Disputes over Cultural Properties



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law  
Research & Study